

امکان تبدیل یک نیروگاه انرژی هسته ای صلح آمیز به نیروگاه تولیدی سلاح های نظامی هسته ای خطرناک، مانند آب خوردن آسان است

بخش ۹

از انتشارات بنیاد هانریش بل و بنیاد سبزه های اروپا، نوشته شده در ژانویه ۲۰۱۰

برگردان : **انور میرستاری**، عضو حزب سبزه های اروپا

۶.۳ - بازنگری در موضع هسته ای

«بازنگری در موضع هسته ای» که در ۶ آوریل ۲۰۱۰ عرضه شد، یک گزارش اوباما، رئیس جمهور بنا به درخواست مصرانه کنگره آمریکا بود که در آن تمام دیدگاه های مهم سیاست هسته ای آینده خود را مشخص می کند. او زمینه های سیاست هسته ای، برنامه های راهبردی، دکترین و توانایی سلاح های هسته ای، آینده این توانایی ها و همچنین بیانیه های مربوط به درک و پندار آینده مجتمع صنعتی هسته ای نظامی را جمع بندی و مشخص می کند. آینده استفاده صلح آمیز انرژی هسته ای در چارچوب این گزارش نمی گنجد. تنها، منظرهایی که نشان دهنده اهمیت خاص آینده برنامه منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای هستند، در اینجا آمده اند.

برای اولین بار، این سند دارای اهداف روشن یک دنیای بدون سلاح های هسته ای است. در این گزارش، به استفاده احتمالی از سلاح های هسته ای به وسیله آدم کشان و هم چنین به خطر دستیابی آنان به مواد هسته ای که در ساخت سلاح های هسته ای به کار می روند، پیش از اشاره به خطرات ناشی از گسترش تولیدات هسته ای با اهداف گوناگون نظامی، به عنوان بزرگترین تهدید دوران کنونی پرداخته شده است. بنابر این، سند مزبور به تقدم سیاست هسته ای اوباما مبنی بر دوباره

مطرح کردن و تقویت سلسله برنامه‌های پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای اشاره می‌کند. هم‌چنین برای اولین بار، در یک سند سیاسی راهبردی آمریکا چنین نوشته‌ای دیده می‌شود. پافشاری بر چشم‌پوشی از برنامه‌های هسته‌ای و داشتن یک سیاست راهبردی پایدار در برابر دیگر ابر قدرتهای هسته‌ای، مانند چین و روسیه، تنها در مرحله سوم قرار دارد.

گزارش تأکید می‌کند که دولت جدید می‌خواهد استفاده سلاح‌های اتمی را با محدودیت‌ها و قید و بندهای خیلی مهم‌تر از دولت گذشته در نظر بگیرد. این دولت، مخصوصاً، خودش را از برنامه‌های جرج بوش کاملاً جدا می‌کند. بر طبق «بازنگری در موضع هسته‌ای»، آمریکائیان می‌توانند با خیلی از خطراتی، نظیر استفاده کشورهای غیر هسته‌ای از سلاح‌های هسته‌ای، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک که دولت بوش می‌خواست با پناه به سلاح‌های اتمی آن‌ها را از بین ببرد، با سلاح‌های کلاسیک مقابله کنند. «تلاش و نقش اساسی» سلاح‌های اتمی، «منصرف ساختن یک حمله هسته‌ای به آمریکا، متحدان و دوستان مشترک المنافع آن» است. هدف هر چه بیشتر کم کردن نقش سلاح‌های هسته‌ای است. در آینده «تنها نقش» سلاح‌های هسته‌ای محدود به وادار کردن طرف‌های رقیب به چشم‌پوشی از حمله هسته‌ای به یکدیگر خواهد بود. «با این وجود، مناسب است که از حالا تا رسیدن به آن شرایط، گزینه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای با قصد توان دفاع در شرایط حاد و اضطراری، پشتیبانی از منافع حیاتی آمریکا، متحدان و شرکای آن حفظ شود».

این گزارش همچنین درک تازه و روشنی از تضمین‌های مهم امنیت متقابل برای کشورهای غیر هسته‌ای می‌دهد که کاملاً مطابق سلسله برنامه‌های پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای است: «آمریکا با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای خود، دولت‌هایی را که عضو کشورهای غیرهسته‌ای پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای هستند و به تعهدات خود در زمینه‌های عدم گسترش تولید هسته‌ای پای بندند، تهدید نخواهد کرد». این تضمین نامه به روشنی نشان می‌دهد که اگر یکی از این کشورها سلاح‌های بیولوژیک یا شیمیایی بکار برند، آمریکا مداخله خواهد کرد.

تنها قدرتهای هسته‌ای و کشورهای که به تعهدات خود در چارچوب پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای عمل

نمی‌کنند، مشمول تهدیدهای آمریکا می‌شوند. یعنی کره شمالی و ایران، امروزه در مد نظر اصلی هستند. همچنین برای پاسخگویی به

استفاده احتمالی کشورهای دارای سلاح های بیولوژیک و شیمیایی از این سلاح ها، واشنگتن برای خود حق استفاده از سلاح های هسته ای قائل است - یک سخن آشکار آن است که واشنگتن همیشه برای خود حق استفاده از سلاح های هسته ای را محفوظ می داند. این حق، دیگر بطور آشکار در «بازنگری در موضع هسته ای» تازه، نوشته نشده است.

با این وجود، دو وجه خیلی مسأله ساز بی پاسخ می ماند: چه کسی تصمیم می گیرد که کشوری به تعهداتش در قبال پیمان منع تولید و گسترش سلاح های هسته ای پایبند است یا نه؟ سازمان ملل، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یا رئیس‌جمهور آمریکا؟ در ضمن، این تصمیم بر اساس دلایل روشن یا به جای حقایق، با پندارهای واهی گرفته خواهد شد. دو جنبه ای که در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ با بی‌آبرویی و ناراحتی برجسته شدند.

در سیاست‌های اعلام شده، نقش سلاح های هسته ای زیر نظر باراک اوباما، شدیداً محدود و کاهش یافته است. با وجود این، به نظر می‌آید که مقدمه این تغییرات در طرح های راهبردی، کاربردی و عملیاتی و در طرح های ارتش آمریکا چند سالی به درازا خواهد کشید. از اکنون تا آن زمان، طرح و برنامه‌ریزی ها بر طبق قواعد تنظیم شده توسط دولت بوش ادامه خواهد داشت. تنها می‌ماند که بینیم تا کجا و با چه سرعتی نیروهای ارتش، «سیاست های» مدیریتی اوباما را اجرا خواهند کرد. ارتشیان می‌توانند امیدوار باشند که یک رئیس‌جمهور، از حزب جمهوری خواهان، دوباره در آینده سیاست دیگری را اعلان کند.

اما «بازنگری در موضع هسته ای» در باره آینده نیروهای هسته ای آمریکا تنها تغییرات کوچکی را پیش‌بینی می‌کند. این بازنگری، با حفظ تشکیلات موجود، به طور بی‌پرده، محافظه کارانه باقی می‌ماند. مسلماً «پیمان آغازی نو» باید به عرصه عمل گذاشته شود. باید بررسی های مقدماتی، برای گفتگو های آتیه ای با روسیه شروع شوند. در هر صورت آمریکائیان سه وجهی سیستم‌های موشکی هسته ای خود را حفظ خواهند کرد و فقط تغییرات جزئی را در آن وارد خواهند ساخت. کاهش تعداد کلاهک های هسته ای در موشک های بالستیک قاره پیما باید ادامه پیدا کند و تمام شود. در عرض دو سال آینده باید در باره نگاه داشتن یا از بین بردن دو زیر دریایی راهبردی تصمیم‌گیری شود. کاهش دوباره بمب افکن های دوربرد با ظرفیت هسته ای، باز هم ممکن بود. در هر حال، این تغییرات واقعاً چشم‌گیر نیستند.

برعکس، تصمیم به پیگیری و گسترش همه برنامه‌های مهم نوسازی در بخش سلاح‌های هسته‌ای یا جایگزینی آن برنامه‌ها با روش‌های دیگر، نشانه آشکاری از پیشرفت است. به عنوان مثال، پیشرفت در ساختن موشک‌های کروزر دوربرد تازه، بمب افکن‌های نو و یک نسل جدیدی از زیر دریایی‌ها برای موشک‌های راهبردی از سال ۲۰۱۹ به بعد، برای اطمینان یابی از «انصراف راهبردی پیوسته تا سال ۲۰۸۰»، تصویب شد.

به همان روش، «بازنگری در موضع هسته‌ای» ادامه نوسازی کلاهک‌های هسته‌ای برای موشک‌های چنگکی دریا به خشکی «دبلیو ۶۷ - ۱»، یک برنامه کامل نوسازی بمب‌های از نوع «ب - ۱۲ - ۶۱» و انجام کارهای مقدماتی یک نوسازی کلاهک‌های انفجاری برای موشک‌های قاره‌پیمای «دبلیو ۷۸» را توصیه می‌کند. در راه عملی ساختن این برنامه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های مهمی به مجتمع‌های صنایع هسته‌ای و نظامی برای نوسازی یا ساخت تعداد زیادی از تأسیسات تازه اختصاص داده شده است.

مفاهیمی که جرج بوش با نام «سه گانه نو» آورده بود، توسط دولت جدید حفظ گردیدند:

مفاهیم «سه گانه نو» وارده توسط جرج بوش، چشم‌پوشی در برابر مجموعه اجزای تشکیل‌دهنده هسته‌ای در آینده، سیستم‌های

دفاعی ضد موشکی و سلاح‌های کلاسیک دوربرد برای حملات راهبردی برق آسا، توسط دولت جدید نیز حفظ گردیدند. انتقال این

تکنولوژی به سیستم‌های بازدارنده منطقه‌ای یعنی به اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، خاور نزدیک، میانه و همچنین خاور

دور (کره جنوبی و ژاپن) پیش‌بینی شده است.

این تصمیمات در باره آینده تسلیحات نظامی هسته‌ای با تغییرات در سیاست‌های بیان شده، کاملاً در تضادند. از این سخن‌ها چنین برداشت می‌شود که در بهترین شرایط، آرزوی دیدن یک دنیای بدون سلاح هسته‌ای، در قرن ۲۲ برآورده خواهد شد. در

نتیجه، اثر آنها بر شرایط لازم برای بالا بردن امیدواری به یک سیاست منع گسترش تولید سلاح‌های هسته‌ای، بی‌فایده است.

قضاوت‌ها در باره سیاست‌های کنونی اوباما، در مقایسه به حرف‌های او در سخنرانی پراگ، رنگ و روی خود را باخته اند. رئیس‌جمهور کوشش کرد تا قرارداد تازه‌ای را که در باره اش با روسیه مذاکره کرده بود، به نتیجه برساند، اما هنوز نتوانسته آن را از مجلس سنا بگذراند. دولت اوباما موفق نشد تا به قولی که در باره تصویب «پیمان منع کامل آزمایش‌های هسته‌ای» داده بود، به خاطر ترس از جلوگیری آن در سنا، وفا دار بماند. «پیمان آغازی نو» نیز کم و بیش به همان بلا گرفتار شد.

گرچه قول اوباما در باره کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای در برنامه‌های راهبردی امنیتی دولت، برای خیلی‌ها ناکافی است، اما با این وجود، مورد ستایش قرار گرفت. تلاش‌های او برای تشویق به همکاری چند جانبه، تشدید برنامه‌های پیمان منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و برای نوشتن قوانینی در این باره، خیلی سفت و سخت، آشکار هستند. تصمیمات تازه ای که برای سازماندهی محافظه کارانه توانمندی سلاح‌های هسته‌ای و یک پشتیبانی، تقریباً از تمام برنامه‌های نوسازی جرج بوش در این زمینه، شاید در نخستین گام دارای امتیازهای سیاسی لازم در طرح و برنامه‌های ملی بودند، اما بعداً نشان دادند که سد بزرگی در راه بهبودی سیاست‌های منع گسترش تولید سلاح‌های هسته‌ای هستند.

بعلاوه، دو نکته از سیاست هسته‌ای اوباما شدیداً با هم در تضادند و هر دوی آن‌ها بطور قابل ملاحظه ای خطرناکند: ابتدا، دولت اوباما تروریسم هسته‌ای و خطر گسترش تولید سلاح‌های هسته‌ای توسط عوامل غیر دولتی را به عنوان مهم‌ترین تهدید برای آینده در نظر می‌گیرد. به همین دلیل، دولت تلاش می‌کند تا سیاست سلسله برنامه‌های منع تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای و پیمان مربوطه را تشدید کند و نکات مورد تقدم آن‌ها را به پیش ببرد. این کار نشانه‌های محرزی را از سوی آمریکا در باره آمادگیش به خلع سلاح هسته‌ای طلب می‌کند. برای این که یک بار تجزیه و تحلیل اوباما در باره خطرات نتیجه دهد، باید توانایی هسته‌ای موجود در کشور، بیشتر از مقدار پیش‌بینی شده کاهش یابد.

اما برعکس، تصمیمات گرفته شده در باره آینده توان هسته‌ای آمریکا، کاملاً خبر از عملکردهای دیگری دارند:

گسترش و شکل آرایش نیروهای هسته‌ای آمریکا، اساساً و به آشکارا با میزان نیاز نگهداری هم سطح آن‌ها با دیگر کشورهای قدرتمند

هسته ای هستند یا در برنامه‌های دراز مدت، یک سر و گردن بالاتر از همه آنها، تعیین می‌شوند. این تصمیمات همچنین علامت می‌دهند که آمریکا تا نیمه دوم سده کنونی می‌خواهد یک نیروی هسته ای قدرتمند و پیشرفته ای را که دارای توانایی و ساختارهای زیربنایی برای نوسازی آن در آینده باشد، حفظ کند.

به احتمال زیاد تصمیمات مزبور یک سد بزرگی در برابر مبارزه با خطر گسترش تولید سلاح‌های هسته ای خواهند بود، زیرا می‌دانیم که ذوق و شوق خیلی از کشورهای غیر هسته ای که مخالف گسترش تولید سلاح‌های هسته ای هستند و آمادگی پذیرش قوانین سخت تری را در تشدید و تحکیم پیمان منع گسترش تولید سلاح‌های هسته ای دارند، از بین می‌برند.

دومین تناقض سیاست هسته ای باراک اوباما نشان می‌دهد که او اسیر ضعف‌های جدایی ناپذیر از پیمان منع گسترش تولید سلاح‌های هسته ای می‌باشد؛ اینکه کشورهای غیر هسته ای، کاملاً حق استفاده از انرژی هسته ای را برای برنامه‌های صلح آمیز دارند، اکیدا وارد زبان همیشگی اوباما است. او در تکمیل حرف‌هایش بر این باور خود تکیه می‌کند که نیروگاه‌های هسته ای می‌توانند نقش مهمی را در کاهش انتشار گاز کربنیک داشته باشند. اوباما گفته است که خود آمریکا هم نیروگاه‌های تازه‌ای را خواهد ساخت و از اهمیت و سودمندی عقیده گشایش اعتباری ۵۴ میلیارد دلاری سخن می‌گوید. بالاخره، دولت وی اعلام کرده است که از ساخت و گسترش نسل‌های تازه نیروگاه‌هایی که دارای توانایی مقاومت تبدیل به دستگاه‌های تولید و گسترش سلاح‌های هسته ای بوده و به قصد صادرات باشند، عمیقاً پشتیبانی خواهد کرد.

این کار می‌تواند کاملاً مانند یک نشان خیرخواهی نسبت به کشورهای غیر هسته ای که می‌خواهند و - بنا به گفته اوباما -

می‌بایست استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای بکنند، تلقی شود. در عمل، فقط کشورهای می‌توانند راه چاره پیشنهادی اوباما را بپذیرند که حاضرند، وضعیت کنونی گسترش تولید سلاح‌های هسته ای را که در آینده بدتر از آن نیز خواهد شد، به عنوان خطر خیلی بزرگی قبول کنند.